

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال دهم، شماره بیست و هشتم، پاییز ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۵/۲۹

صفحات: ۱۶۲-۱۴۱

دومینوی تحولات بهار عربی در بستر جهانی شدن و توسعه ارتباطات

دکتر سیدجواد امام‌جمعه‌زاده

دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

سازار رستم جبری

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه روابط بین‌الملل، ایران، اصفهان

فرزاد محمدزاده ابراهیمی*

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه روابط بین‌الملل، ایران، اصفهان

چکیده

تحولات بین‌المللی در دهه اول قرن بیستم و یکم، جهانی شدن، توسعه ارتباطات و گسترش دامنه تماس‌های مردم و ملت‌ها در فضاهای مجازی موجب آگاهی بیشتر مردم خاورمیانه به حقوق شهروندی خود، اشراف به عقب‌ماندگی‌های ساختاری همه‌جانبه، افزایش دامنه مطالبات و تقاضا برای تغییرات و تحولات بنیادین در عرصه‌های مختلف شده است. بحران بی‌سابقه‌ای که بصورت دومینو بر کشورهای عرب سايه انداخته، سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا را درنوردیده و حتی در برخی کشورهای غیر عرب هم تاثیر گذار بوده است. جهانی شدن ارتباطات و توسعه آن چه نقشی در تحولات بهار عربی داشته است؟ بر اساس اصول لیبرالیسم، شهروندانی که از جهان آگاه باشند معمولاً خواستار اصلاحات می‌شوند. جهانی شدن از طریق خودآگاهی مردم و با در اختیار قرار دادن فن‌آوری‌هایی که بتوانند با جهان خارج در ارتباط باشند به مردم خاورمیانه و شمال آفریقا این امتیاز را داد که علیه حاکمانشان به پاخیزند و تحولات عظیمی را به وجود آورند. با توجه به اهمیت منطقه حساس خاورمیانه و با نظر گرفتن این نکته که تحولات اخیر بی‌سابقه و بی‌شک دارای تاثیرات مهمی خواهد بود این مقاله درصدد است تا سیر تحولات بیداری عربی را با در نظر گرفتن جهانی شدن ارتباطات و فن‌آوری مورد جستجو و کنکاش قرار دهد.

کلید واژگان

خاورمیانه، بهار عربی، جهانی شدن ارتباطات، توسعه ارتباطات، رسانه‌های اجتماعی

* نویسنده مسئول، ایمیل: farzad_ebrahimi@yahoo.com

مقدمه

جهانی شدن از فرایندهایی است که در دهه های اخیر تمام مناطق جهان را تحت تاثیر قرار داده است. اگرچه جهانی شدن ابعاد مختلف را مورد بررسی قرار می دهد، اما آنچه برای این پژوهش در نظر گرفته شده جهان شمول شدن ارتباطات و تاثیرات آن در تحولات اخیر خاورمیانه می باشد. با توجه به اینکه اعتراضات صورت گرفته شده در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را می توان از زوایای مختلف بررسی کرد، این مقاله نقش ارتباطات و تاثیر آن در نحوه برگزاری اعتراضات را مورد توجه قرار می دهد، زیرا آنگونه که شواهد نشان می دهد راههای ارتباطی جدید، آگاهی از اتفاقات و تحولات جهانی، حقوق شهروندی و استفاده گسترده از وسایل ارتباطی نه تنها یکی از مهمترین دلایل شکل گیری این تحولات بوده؛ بلکه در ایجاد ایجاد یکدستگی در نحوه برگزاری، سرریز شدن این ناراضی ها به کشورهای همسایه و همچنین استفاده از وسایل انتقال جمعی از جمله فیسبوک، یوتیوب و توییتر موثر بوده است.

نقطه آغازین مجموعه اعتراضات و راهپیمایی هادر خاورمیانه و شمال آفریقا موسوم به بهار عربی یا بیداری عربی کشور تونس بود. جرقه اولین اعتراضات صورت گرفته به تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ به دنبال خود سوزی محمد بوعزیزی در اعتراض به بدرفتاری و فساد حاکم بر پلیس این کشور زده شد (Fahim, 2011) با موفقیت و به نتیجه رسیدن اعتراضات در تونس موج ناآرامی ها الجزایر، اردن، مصر، یمن، بحرین، سوریه و دیگر کشورهای منطقه رادبر گرفت و محرک اعتراضات و تجمعات مشابهی در خارج از منطقه نیز شد. بزرگترین و سازمان یافته ترین راه پیمایی ها اغلب در روز موسوم به «روز خشم» و معمولاً بعد از نماز جمعه روی داده است (White, 2011). گستردگی اعتراضات، خشونت فزاینده علیه معترضان، سرعت خیره کننده وقوع حوادث و احتمال تشدید بی ثباتی در منطقه در کنار تاثیرات ژئوپلیتیکی این پدیده توجه وسیعی را به دنبال داشته است. برخی بر این باورند موجی که کشورهای منطقه را در بر گرفته پدیده جدیدی نیست و شاید اینگونه بتوان گفت که بخشی از آن حاصل سالها تلاش و فعالیت فعالان ناراضی و همین طور اعضای سازمانهای اجتماعی و اتحادیه های مختلف در تونس، الجزایر، مصر و دیگر کشورهای منطقه بوده است.

عامل اصلی و کاتالیزور تحولات اخیر و اعتراضات صورت گرفته و در جریان خاورمیانه و شمال آفریقا خود سوزی محمد بوعزیزی جوان تونس بود، بطوریکه گروه‌های مختلف و ناراضی از سیستم موجود اعم از بیشتر بیکاران، فعالان سیاسی و حقوق بشری، اعضای اتحادیه های تجاری و کارگری، دانش آموزان و دانشجویان، اساتید، حقوقدانان و دیگر اقشار اجتماعی را گرد هم آورد. این گروهها جنبشی بی سابقه را شکل داده و نیروی کافی را برای ایجاد تحولات اخیر پدید آورده‌اند (International Marxist Tendency, 2011). بیشتر کارشناسان، تحلیلگران و روزنامه نگاران تحولات اخیر را پدیده ای منحصر به اعراب می دانند، و در واقع اعتراضات و ناآرامی های اخیر هم بیشتر در کشورهای عربی نمود داشته و به همین دلیل نیز عنوان بهار عربی را به خود گرفته است. شاید بتوان گفت که بهار عربی به نوعی تداوم بهار پراگ و بیداری دموکراتیک در چکواسلواکی سابق به سال ۱۹۶۸ است. در هر حال رسانه های بین المللی نقش اقلیت های قومی کشورهای عربی را در ناآرامی های اخیر نادیده نگرفته اند. در این راستا می توان به اقلیت یهودی در تونس، مسیحیان قبطی در مصر، بربرهای بومی در لیبی، اقلیت دارفوری غیر عرب در سودان و اقلیت کرد در عراق و سوریه اشاره کرد. ناآرامی های منطقه ای محدود به کشور های جهان عرب نبوده است. موفقیت های اولیه ناآرامی ها در شمال آفریقا الهام بخش برخی کشور ها از جمله جیبوتی بوده تا مردم به خیابانها ریخته و خواستار اصلاحات و حتی تغییر رژیم شوند. بیشتر مفسرین این اعتراضات را هم به عنوان بخشی از همان موجی که در تونس آغاز و بخش وسیعی از خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر گرفت قلمداد می کنند هر چند بیشتر ساکنان و معترضان در این کشور ها عرب نیستند (Khorrami Assl, 2011).

۱. چارچوب نظری: جهانی شدن ارتباطات و توسعه آن

جهانی شدن در معنای تحت اللفظی خود، فرآیند یا تغییر شکل پدیده های محلی یا منطقه ای در سطح جهانی است. جهانی شدن می تواند به عنوان فرآیندی شرح داده شود که در آن مردم جهان در جامعه ای واحد با وظایف یکسان با یکدیگر همسان شده اند. این فرآیند ترکیبی از اقتصاد، فن آوری، موضوعات اجتماعی - فرهنگی و نیروهای سیاسی است (Croucher, 2004: 10).

به عبارت دیگر جهانی شدن به روند یکپارچگی بین المللی ناشی از تبادل دیدگاه های جهانی، تولیدات، اندیشه ها و دیگر محصولات فرهنگی اطلاق می شود (Albrow & King, 1990: 8). پیشرفت ها در حمل و نقل و زیرساخت های ارتباطات از راه دور از جمله ظهور تلگراف و پس از آن اینترنت از عوامل اصلی جهانی شدن محسوب می شوند بطوریکه وابستگی متقابل و فزاینده فعالیت های اقتصادی و فرهنگی را به دنبال داشته اند (Stever, 1972: 1-3).

اصطلاح «جهانی شدن» از دهه ۱۹۸۰ توسط اقتصاددانان و از دهه ۱۹۶۰ توسط دانشمندان علوم اجتماعی به کار رفت، هرچند که این مفهوم تا نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به صورت عمومی مورد استفاده قرار نگرفت. جهانی شدن به عنوان یک فرآیند بلند مدت در طی قرون، به توسعه جمعیت بشر و رشد تمدن ها بازمی گردد، که در پنجاه سال اخیر به شدت تسریع شده است. جهانی شدن تاثیر عظیمی را بر فرهنگ ها، بویژه فرهنگ های بومی در سراسر جهان داشته است. جهانی شدن فرهنگی، که بوسیله فن آوری ارتباطات و بازاریابی و فروش صنایع فرهنگی غرب به پیش می رود در وهله اول، به عنوان فرآیند هماهنگ سازی و تسلط جهانی فرهنگ امریکایی به هزینه شکاف در فرهنگ سنتی مورد توجه بود. در هر حال، طولی نکشید که روند تقابل در اشکال مختلف همچون جنبش های اعتراضی علیه جهانی شدن و بخشیدن جان تازه ای به دفاع از یگانگی، فردیت و هویت محلی نمایان گشت. این جنبشها به طور موثری از همان فن آوری های جدید در جهت دستیابی به اهداف خود بهره گرفتند و از افکار جهانی برای حمایت دعوت به عمل آوردند (Osterhammel & Petersson, 2005: 7).

یکی از تحولات جهانی شدن گستردگی ارتباطات می باشد به گونه ای که تکنولوژی جدید اطلاعات اقصی نقاط دنیا را به هم پیوند می دهد و باعث درهم تنیدگی روابط می شود. مانوئل کاستلز شروع انقلاب تکنولوژی اطلاعات را برخلاف انقلاب صنعتی که از انگلستان آغاز شد از امریکا می داند و خاستگاه آن را دوره سیلیکن می شمارد. آنچه اصطلاحاً تکنولوژی اطلاعات نامیده می شود، مجموعه ای از وسایل، تجهیزات، نرم افزارها و به طور کلی خدمات و محصولات است که بستر اولیه تولید، توزیع و اثربخشی انواع مختلف اطلاعات است. دامنه و گستردگی تکنولوژی اطلاعات و تاثیراتی که بر حوزه های مختلف نظام اجتماعی می گذارد، بسیار گسترده و وسیع است و روز به روز بر تنوع این تکنولوژی افزوده می شود. از نظر کاستلز فرایند جهانی شدن و به تبع آن شبکه ای شدن جامعه، موجب ظهور

جنبش های متعرض و مخالفی شده است که در مقابل شبکه ای شدن جامعه مقاومت می کنند (نصرتی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۴۰-۱۳۹)

آنتونی گیدنز نیز که از مطرح ترین نظریه پردازان جهانی شدن است؛ ارتباطات و تکنولوژی اطلاعاتی را مهمترین عنصر در جهانی شدن دانسته و آن را گریز ناپذیر می داند. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹، تعداد کاربران اینترنت در سطح جهان از ۳۹۴ میلیون نفر به ۱/۸۵۸ میلیارد نفر افزایش یافته است (Internet Users Graphs, 2013). در سال ۲۰۱۰، ۲۲ درصد از جمعیت جهان به رایانه دسترسی داشتند، باروزانه یک میلیارد جستجوگر موتور جستجوگر گوگل، ۳۰۰ میلیون کاربر اینترنت خواننده مطالب وبلاگ ها، و روزانه ۲ میلیارد بازدید ویدئو در یوتیوب (Google Earth demonstrates how technology benefits RI's civil society, govt", 2011). گسترش فزاینده شبکه های اجتماعی اینترنت محور تغییرات اجتماعی مهمی را به دنبال داشته است (Tuomi, 2001).

بر اساس دیدگاه لیبرالها، یک انسان روشن بین قادر به تشخیص بهترین منافع خود و پیگیری آنها به شیوه ای است که به حقوق دیگران صدمه نرساند. لیبرال ها بر این باورند که شهروندان روشن بین، مردم سالاری را برمی گزینند، چرا که آنها خواهان برخورداری از حقوق و آزادی های لیبرال خواهند بود. به عبارت دیگر، شهروندانی که از جهان آگاه باشند معمولاً خواستار اصلاحات می شوند چرا که خواهند دید نظام های دیگر بهتر از نظام خودشان است و زندگی در نظامی متفاوت و مردم سالار تر چه مزایایی برای آنها خواهند داشت (چرنوف، ۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۲۸). جهانی شدن ارتباطات این فرصت را برای مردم خاورمیانه فراهم و آگاهی و اطلاعات آنها را بطور قابل توجهی افزایش داده است. جیمز روزنا، با صحنه گذاشتن بر تاثیرگذاری انقلاب ارتباطات در کتاب *آشوب در سیاست جهان می گوید: «فناوریهای الکترونیکی جدید منجر به بزرگترین مباران مطالب شنیداری و دیداری شده که بشر در طول تاریخ خود تجربه کرده؛ این فناوری ها کل جهان را آنآ در معرض توجه هر شنونده ای قرار داده است.»* (روزنا، ۱۳۸۴: ۵۴-۴۵۳). به باور او ایجاد محدودیت در این راستا موجب کنجکاوای شنونده و بیننده می شود که منابع خارجی چه مطالبی را گزارش می کنند. از این منظر، انقلاب ارتباطات می تواند نحوه اندیشیدن مردم درباره امور جهان را دگرگون سازد (همان: ۶۸-۴۶۴). با توجه به این اصل کلی لیبرالیسم، در ادامه

تحولات شگفت انگیز منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در چارچوب جهانی شدن ارتباطات مورد بررسی قرار می گیرد.

۲. دلایل و زمینه های خیزش جهان عرب

چندین عامل در شکل گیری ناآرامی ها و اعتراضات خاورمیانه و شمال آفریقا نقش دارند از جمله؛ دیکتاتوری یا حکومت های سلطنتی مطلقه، نقض فاحش حقوق بشر، فساد حکومتی (با افشای اسناد دیپلماتیک ایالات متحده از سوی ویکی لیکس بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت)، رکود اقتصادی، بیکاری، فقر و تنگدستی شدید، در کنار برخی عوامل ساختاری جمعیتی همچون حضور بخش وسیعی از جوانان تحصیل کرده اما ناراضی دست در دست هم داده اند تا ملتهای عرب به پا خیزند (Korotayev & Zinkina, 2011). از دیگر عوامل محرک ایجاد ناآرامی ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس و شمال آفریقا می توان به موارد زیر اشاره کرد: تمرکز ثروت در دست اقتدار گرایان برای چندین دهه، عدم شفافیت لازم در توزیع دوباره ثروت، بویژه امتناع جوانان از پذیرش وضع موجود (Reverchon & de Tricornot, 2011) افزایش قیمت مواد غذایی و همین طور کمبود این مواد در سطح جهانی از دیگر عوامل تعیین کننده در این راستا و تهدید کننده امنیت غذایی جهانی محسوب می شود. از سوی دیگر، عفو بین الملل با تاکید بر انتشار و افشای اسناد محرمانه دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا از سوی ویکی لیکس، این موضوع را عامل اصلی ناآرامی های منطقه قلمداد کرده است (Walker, 2011).

افزایش استانداردهای زندگی و نرخ با سواد طی سالهای اخیر، در کنار دسترسی بیشتر به تحصیلات تکمیلی، شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد نظر را بهبود بخشیده است. تنش بین انتظارت فزاینده و فقدان اصلاحات حکومتی را می توان از عوامل دخیل در تمامی اعتراضات تلقی کرد. بیشتر جوانان آشنا به اینترنت در این کشورها تحصیل کرده غرب هستند و اقتدارگرایی و سلطنت های مطلقه را منسوخ شده می پندارند. تونس و مصر برای اولین بار شاهد ناآرامی های گسترده ای بودند که بادیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا همچون لیبی و الجزایر متفاوت بود، چرا که آنها فاقد درآمد نفتی قابل توجه بوده

و بنابراین قادر نبودند تا با توسل به این درآمدها توده های ناراضی را به نوعی آرام کنند (Reverchon, 2011).

& de Tricornot, 2011)

عمر تاشپینار تحلیلگر امور خاورمیانه و جهان اسلام با تاکید بر تغییرات سریع و گسترده در منطقه یادآور می شود که ترکیبی از سرکوب سیاسی داخلی، بیکاری جوانان، انتظارات فزاینده و محرومیت های اقتصادی-اجتماعی است که توده های مردمی را در کشورهای عربی به حرکت درآورده است. او با مثبت ارزیابی کردن تحولات اخیر خاطر نشان می کند که این پویایی مثبت ممکن است به زودی به پایان راه برسد. چراکه به باور بسیاری از اعراب منطقه، غرب در حال اعمال استانداردهای دوگانه است. (Taspinar, 2011).
پل راجرز ۱ هم بر این باور است که تحولات اخیر در روندهای اقتصادی و اجتماعی مرتبط با موضوعات فراتر از منطقه و همین طور شرایط سیاسی ریشه دارد (Rogers, 2011b). او با تاکید بر تاثیر الهام بخش این پدیده یادآور می شود که اعتراضات در یک کشور تاثیر بسزایی در دیگر کشورها دارد. شواهد نشان می دهد که نخبگان حاکم در شمال آفریقا و خاورمیانه با نگرانی و حتی ترس نظاره گر خیزش مردمی در تونس بوده اند. برخی نشانه ها حاکی از این است که قیام در تونس محرک اعتراضات نه فقط در مصر و الجزایر بلکه در دیگر کشورها هم بوده است (Rogers, 2011a). جان اسپوزیتو ۲ استاد سرشناس روابط بین الملل و مطالعات اسلامی هم معتقد است که ناآرامی های اخیر جنبشی دموکراسی خواهانه و فراگیر است که توسط یک ایدئولوژی واحد یا تندرهای مذهبی هدایت نمی شود. آنچه روی داده خواستی گسترده و فراگیر در راستای اصلاحات می باشد. مردم از هر شغل و حرفه ای با انگیزه ای مشترک گردهم آمده اند: متخصصان و کارگران، پیر و جوان، زن و مرد، مسلمان و مسیحی، طبقات فقیر، متوسط و مرفه. این استاد امور بین الملل و مطالعات اسلامی معتقد است که معترضان در صدد اعاده حیثیت، خواهان حق تعیین سرنوشت و حکومت خود، شفافیت و پاسخگو بودن حکومت، حاکمیت قانون، پایان دادن به فساد گسترده و احترام به حقوق بشر هستند. این خط مشی مشترک طی دهه گذشته در چندین کشور عربی در حال تحول بوده و مورد تایید بازیگران سیاسی اصلی از جمله اسلامگرایان قرار گرفته است (Esposito, 2011).

۴. رسانه های اجتماعی و بهار عربی

ظهور اینترنت و گسترش شبکه های تلفن همراه، افزایش نفوذ شبکه های اطلاعاتی و جهان گیر شدن شبکه های اجتماعی آنلاین، بسیاری از معادلات را به نفع ملت ها و به ضرر مستبدان تغییر داده است. تکنولوژی های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، خرده رسانه ها و شبکه های اجتماعی در سطح جوامع بسیاری از جنبه های زندگی را دگرگون کرده اند. آگاهی بخشی رادرجوامع تسهیل کرده و برای مردم این امکان را فراهم آورده تا به گستره ی بزرگ تری از اطلاعات دسترسی داشته باشند. اینترنت بزرگ ترین جهش تاریخی انسان در فراهم آوردن ابزارهای ابراز و ترویج اندیشه و بیان رارقم زده و از این طریق شهروندان را توانمندتر کرده است (انقلاب یاس در تونس، ۲۰۱۱). امروزه استفاده از فن آوریهای ارتباطی نظیر اینترنت به عنوان ابزاری کمکی برای بسیج معترضان دارای جایگاه خاصی است و استفاده از شبکه های اجتماعی در تحولات اخیر هم بسیار گسترده بوده است. همانگونه که یکی از فعالان مصری اشاره کرده است: «برای برنامه ریزی اعتراضات از فیس بوک استفاده کردیم، برای هماهنگی از توئیتر و از یوتیوب برای نشان دادن اعتراضات و مطلع کردن جهان» (Howard, 2011). تلاشهای اقتدارگرایان در تونس برای کنترل شبکه های آنلاین همچون توئیتر و فیس بوک شاهی برای مدعاست. دیگر رژیم های منطقه هم با دقت این رسانه ها را زیر نظر دارند (Anderson & Technica, 2011). نیویورک تایمز می نویسد رسانه های اجتماعی برای سازماندهی انقلابهای سیاسی همچون مصر به یاری مردم آمده است، جایی که این رسانه به طبقات خاصی از معترضان برای سازماندهی کمک کرده، ناراضیان را به هم پیوند و اطلاعات را پخش کرده است (Kirkpatrick, 2011).

تحولات اخیر تونس نشان داد که استفاده از فن آوری های ارتباطی محدود به برنامه ریزی راهپیمایی ها نبوده است، بلکه مردم از آن برای تبادل اطلاعات هم استفاده می کردند. معترضان تجربیات خود را طی اعتراضات به یکدیگر منتقل می کردند تا بهترین شیوه های ممکن را برای مقابله با نیروهای امنیتی مورد استفاده قرار دهند. به عبارت دیگر شبکه های اجتماعی به عنوان ابزاری موثر در گسترش تجربیات معترضان مورد استفاده قرار گرفته است. ناگفته نماند با توجه به اینکه رسانه های عمومی به خوبی توسط رژیم های استبدادی کنترل و سانسور می شود، مانند آنچه در رژیم سابق تونس اتفاق

افتاد، به نظری رسد شبکه های اجتماعی تنها راه موجود برای معترضان است تا صدای خود را به گوش جهانیان برسانند (Hallisso, 2011).

انقلابهای تونس و مصر نشان داد که اینترنت سلاح بسیار کارآمدی است که خارج از کنترل حکومت است. اگر طی ناآرامی ها دسترسی به اینترنت آزاد باشد باعث می شود تا همه دنیا شاهد اقدامات خشونت آمیز صورت گرفته علیه معترضان باشند و به این ترتیب حکومت در معرض افکار عمومی جهانی قرار گرفته و انتقادات شدیدی از سوی سازمانهای حقوق بشری متوجه آن خواهد شد. در صورتی که اینترنت سانسور و یا قطع شود شاید خطر بزرگتری متوجه رژیم گردد. برخی بر این باورند رژیم مصر با قطع شبکه های ارتباطی از جمله اینترنت و تلفن همراه بزرگترین اشتباه خود را مرتکب شد. این اقدام حکومت منجر شد هزاران فعال هوادار دموکراسی که از طریق مونیتور وقایع را پیگیری می کردند به میدان تحریر رفته و از نزدیک شاهد اتفاقات باشند. به این ترتیب رژیم بطور نخواست به افزایش تعداد جمعیت کمک کرد (Ibid).

الف. انقلاب یاس در تونس

به دنبال خود سوزی محمد بوعزیزی در شهر سیدی بوزید ۱ در دسامبر ۲۰۱۰، تظاهرات خشونت آمیز و گسترده خیابانی سراسر تونس را فرا گرفت و در نهایت به سرنگونی زین العابدین بن علی رئیس جمهوری این کشور در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ انجامید. تظاهرات در اثر عواملی همچون؛ بیکاری گسترده، تورم، گرانی مواد غذایی، فساد، نبود آزادی بیان و دیگر اشکال آزادی سیاسی و وضعیت بد معیشتی مردم شتاب فزاینده ای به خود گرفت (Spencer, 2011). اعتراضات اخیر در تونس، چشمگیرترین و گسترده ترین موج ناآرامی های سیاسی و اجتماعی این کشور طی سه دهه اخیر محسوب می شود که تعداد زیادی کشته و مجروح برجای گذاشت و بیشتر آنها نتیجه اقدامات خشونت آمیز پلیس و نیروهای امنیتی علیه معترضان بود. فرار بن علی به عربستان سعودی، پایانی بود بر حضور ۲۳ ساله او در قدرت. (Davies, 2010)

از دیدگاه پل راجرز ناآرامی های رخ داده در تونس پاسخی به نابرابری و بی عدالتی سیستمیک و نشان دهنده محدودیتهای کنترل نخبگان بود. در این بین عوامل سیاسی و اقتصادی هم نقش موثری را

ایفا کردند، او بر این اعتقاد است که ناآرامی های تونس ناشی از ترکیب پیچیده ای از مشکلات اقتصادی شامل افزایش قیمت مواد غذایی و بیکاری گسترده همراه با احساس نفرت از رژیم استبدادی و طبقه ثروتمند حاکم بر این کشور بود که چندین دهه برای کنترل نظم عمومی استفاده از خشونت را در دستور کار قرار داده بود. اهمیت وقایع تونس به این علت است که در زمره کشورهای قرار دارد که در کنار دارا بودن رژیمی نخبه گرا، با رشد سریع جمعیت و رکود اقتصادی هم دست و پنجه نرم می کرد. این تجربه مشترک می تواند در توضیح وقوع ناآرامی های بیشتر در منطقه و تلاش دولت‌ها برای مقابله، درهم شکستن یا تعدیل آن موثر واقع گردد. (Rogers, 2011a).

از سوی دیگر جهانی شدن با تاثیرگذاری بر خودآگاهی مردم به ویژه جوانان اکثراً تحصیل کرده و مرتبط با جهان خارج نقش غیر قابل انکاری در تحولات تونس ایفا کرده است. آنچه آشکار است، آگاهی گسترده مردم برای بیان خواسته هایشان می باشد. این نشان می دهد جهانی شدن که فرایندی جهان شمول بوده توانسته است تاثیرات مهمی را در مناطق خاورمیانه و شمال افریقا برجای بگذارد.

پیش از انقلاب یاس، حکومت نظارت شدیدی بر این اینترنت داشت. آژانسهای اطلاعاتی و امنیتی تونس بر ایمیل‌های شخصی افراد هم نظارت داشت و وب سایت های منتقد بسته می شد. وقوع اعتراض های مردمی موجب استفاده فراوان مردم تونس از اینترنت و شبکه های اجتماعی شد. شبکه های اجتماعی مثل فیس بوک و توییتر به معترضان به ویژه جوانان تونسی اجازه داد تا سریعاً علیه حکومت بن علی، علیرغم محدودیت های اعمال شده توسط رژیم او بسیج شوند. برخی از تونسی ها، سانسور رژیم را دور زدند و اطلاعات سریعاً میان استفاده کنندگان از اینترنت در داخل و خارج از کشور پخش شد، در واقع شبکه های اجتماعی در جریان انقلاب مردم تونس نقش مهمی برای گسترش اطلاعات میان مردم تونس در داخل و خارج از این کشور ایفا کردند (عمادی، ۱۳۹۱).

ب. انقلاب مصر

اعتراضات مصر در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، آغاز برای ۱۸ روز تداوم و به کناره گیری رئیس جمهوری این کشور انجامید. حکومت مصر در شب ۲۷ ژانویه تمامی شبکه های ارتباطی از جمله اینترنت و تلفن همراه را قطع کرد تا نگذارد معترضان برای سازماندهی از طریق رسانه های اجتماعی استفاده کنند. روز بعد و

در پی راهپیمایی دهها هزار تن در خیابانهای شهرهای بزرگ مصر، حسنی مبارک رئیس جمهور این کشور دولت را برکنار و کابینه جدیدی را تعیین کرد. در ۲ فوریه هواداران حسنی مبارک به معترضان حمله و خشونت پایتخت مصر را فرا گرفت. به مدت ۱۸ روز از ۲۵ ژانویه تا ۱۱ فوریه (کناره گیری مبارک از قدرت) میلیونها تن از مردم مصر به خیابانها ریخته و خواستار سرنگونی رژیم شدند. حکومت مبارک در وهله اول به سرکوب مخالفان پرداخت، اما ماشین سرکوب رژیم به زودی قافیه را به انبوه معترضان باخت. پس از آن دولت تلاش کرد تا از طریق تبلیغات و ایجاد فضایی نا امن و ترسناک مردم را به خانه های خود بازگرداند که در این مورد هم ناکام ماند. سرانجام درصدد دادن امتیازاتی برآمد. اما امتیازات داده شده بسیار محدود و شمار کشته شدگان اعتراضات هم در حال افزایش بود. ارتش با علم به اینکه خشونت بیشتر می تواند به اعتبار و مشروعیتش خدشه وارد کند دست از حمایت مبارک کشید و او را مجبور به استعفاء کرد (Shehata, 2011).

همه این اتفاقات در حال رخ می داد که تمام وقایع توسط مردم رصد می شد و آنها این اتفاقات را به جهان خارج انتقال می دادند. جوانان مصری که اغلب افراد تحصیل کرده بودند در مدت اخیر از شبکه های اجتماعی به عنوان یکی از ابزارهای اعمال خواسته هایشان استفاده می کردند. زیرا در مصر زمان مبارک رسانه ها تحت کنترل دولت قرار داشت و میزان دسترسی مردم به اینترنت محدود بود. اما آغاز اعتراض های مردمی، موجب شکسته شدن نظارت دولت مصر بر اینترنت و شبکه های اجتماعی شد. در مصر تاثیر ارتباطی و سازماندهی فیس بوک، توییتر، بلاگها و یوتیوب بسیار زیاد بود. بین ۱۱ ژانویه و ۱۰ فوریه ۲۰۱۱ بیش از ۳۴ میلیون انقلابی مصر ۲۳۱۳ صفحه در فیس بوک باز کردند و بیش از ۴۶۱ هزار نظر توسط مردم مصر در این صفحات نوشته شد. شبکه های اجتماعی آنلاین تا قبل از مسدود شدن اینترنت، برای سازماندهی اعتراضات ضد دولتی مصر به کار گرفته شدند اگرچه سرویس اینترنت از کار افتاد. اما معترضین از راههای جایگزین استفاده کردند و پیامها را توییت کردند. معترضین اخبار آنلاین مربوط به اعتراضات روز خشم را منتشر کردند و لیست میدان های عمومی که مردم باید جمع می شدند را به گوش همه رساندند. این فراخوان ها در توییتر و فیس بوک باعث یکدستگی مردم در اعتراضات شد (محمدعلیان، ۱۳۹۲).

نقش شبکه های اجتماعی در تحولات مصر به نحوی می باشد که برخی از تحلیل گران از آن به عنوان انقلاب فیس بوکی هم نام می برند و همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد برخی هم معتقدند که رژیم مصر با قطع شبکه های ارتباطی از جمله اینترنت و تلفن همراه بزرگترین اشتباه خود را مرتکب شد، چراکه این اقدام حکومت منجر شد هزاران فعال هوادار دموکراسی که از طریق مونیتور وقایع را پیگیری می کردند به میدان تحریر رفته و از نزدیک شاهد اتفاقات باشند. به این ترتیب رژیم بطور ناخواسته به افزایش تعداد جمعیت کمک کرد. (Hallisso, 2011)

پ. انقلاب لیبی

آغاز اعتراضات ضد حکومتی در لیبی به ۱۵ فوریه ۲۰۱۱، بازمی گردد. در ۱۸ فوریه مخالفان کنترل بیشتر بخشهای شهر بنغازی، دومین شهر بزرگ لیبی را در دست گرفتند و در ۲۶ فوریه برای اعمال فشار بر رژیم قذافی و مخالفت با حکومت او، دولت موقت را در شهر بنغازی تشکیل دادند. مخالفان در صدد بودند تا با برکناری قذافی از قدرت انتخابات منصفانه، دموکراتیک و آزاد برگزار کرده و از این طریق انتقال به دموکراسی را تضمین کنند. (Reuters, 2011)

گرچه تحولات لیبی شکل نظامی به خود گرفت و به سمت جنگ داخلی حرکت کرد و از سوی دیگر با مداخله شورای امنیت منطقه پرواز ممنوع اعلام شد، با این وجود همانند تونس و مصر نقش شبکه های اجتماعی نیز به خوبی قابل مشاهده می باشد. به این صورت که بر اساس آمار اتحادیه ارتباطات بین المللی، پیش از انقلاب مردم لیبی، تنها ۴ درصد از مردم این کشور به اینترنت دسترسی داشتند. این آمار در سال ۲۰۲۲ که حکومت قذافی به علت وقوع جنگ داخلی تضعیف شد و کنترل خود را بر کشور از دست داد به ۱۷ درصد رسید. به عبارتی در این سال حدود ۱/۱ میلیون نفر از مردم لیبی به اینترنت دسترسی داشتند. جنگ قذافی با مخالفان موجب شد تا توانایی کنترل دولت لیبی بر رسانه ها به ویژه اینترنت تا حدود زیادی کاهش یابد. شبکه های اجتماعی نظیر فیس بوک و تویتر که توسط حکومت قذافی مسدود شد و استفاده از آن دشوار بود، با وقوع جنگ داخلی در اوایل ۲۰۱۱ آزادانه در دسترس قرار گرفت. این شبکه های اجتماعی نقش بسیار مهمی در گسترش اعتراض ها علیه رژیم قذافی در لیبی داشتند، بطوریکه میزان شهروندان لیبیایی از فیس بوک ۱۲۱ درصد رشد داشته

است. پس از سقوط قذافی نیز گزارشی در مورد فیلترینگ سایت ها وجود نداشته و میزان استفاده و دسترسی مردم به اینترنت افزایش یافته است (عمادی، ۱۳۹۱). این موارد نشان دهنده این است که اگرچه اتفاقات لیبی به جنگ داخلی ختم شد اما آنچه باعث آگاهی مردم شد وقایع بیرون بود که مردم در داخل از طریق این شبکه ها آنها را پیگیری می کردند و اینها باعث شد که بر خواسته هایشان مصمم باشند و طی این تحولات نه تنها رژیم ۴۲ ساله قذافی سرنگون بلکه خود او نیز کشته شد.

ت. ناآرامی های بحرین

در ابتدا هدف اعتراضات بحرین دستیابی به آزادی سیاسی بیشتر و احترام به حقوق بشر بود و درصدد تهدید رژیم سلطنتی این کشور نبود. در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، اعتراضات بحرین آغاز شد و تا حد زیادی به صورت مسالمت آمیز بود تا اینکه در شب ۱۷ فوریه پلیس بحرین معترضان را مورد یورش قرار داد. به دنبال این اقدام خشونت آمیز پلیس مخالفان خواستار سرنگونی حکومت پادشاهی این جزیره کوچک شدند. فساد، تبعیض علیه شیعیان، بیکاری و روند کند دموکراتیک شدن از جمله عواملی هستند که در ایجاد اعتراضات این کشور نقش دارند (Bahrain Online Forum, 2011).

خاندان سلطنتی بحرین در برابر نارضایتی ها و راه پیمایی های گسترده مردمی همچنان انعطاف ناپذیر بوده و از اجرای هرگونه اصلاحات واقعی امتناع می کند. در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ و بدنبال درخواست مقامات بحرین، نیروهای نظامی عربستان سعودی و امارات متحده عربی وارد این کشور شده و خشونت علیه معترضان در منامه رو به فزونی گذاشت. حاکمان بحرین جنبش مردمی در این کشور را موضوعی شیعه محور، فرقه ای و دربردارنده عامل بی ثباتی قلمداد می کنند که می تواند به افزایش نفوذ ایران در این جزیره کوچک بیانجامد. ریاض افزون بر اشتراک نظریا مقامات بحرین در خصوص دیدگاه فوق، نگرانیهای دیگری هم دارد از جمله اینکه؛ از افزایش نفوذ تهران در عراق و همین طور امکان گسترش اعتراضات منامه به اقلیت شیعه خود (که بسیاری از آنها در مناطق نفت خیز شرق عربستان زندگی می کنند) بیمناک است (Rogers, 2011b). هزاران تن از شیعیان عراق و قطیف عربستان سعودی به مداخله نظامی در بحرین اعتراض کردند. در مقابل شورای همکاری خلیج فارس و مقامات سعودی با دفاع از مداخله، این اقدام را برای بازگرداندن ثبات و امنیت به بحرین ضروری توصیف کرده اند (Arango,

(2011). ناگفته نماند که استقرار ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده در بحرین که مسئولیت حفظ منافع این کشور را در منطقه عهده دار است تاثیر بسزایی در حمایت ایالات متحده از رژیم سلطنتی بحرین داشته و این مسئله را می توان در چارچوب اعمال استانداردهای دوگانه امریکا در قبال تحولات بهار عربی مورد ارزیابی قرار داد.

بحث شبکه های اجتماعی از مهمترین اشتراکات تحولات بحرین با دیگر کشورها است. تحولات اخیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از کشور تونس آغاز و با انتشار اخبار آن به بیرون باعث خودجوشی در دیگر کشورهای منطقه شد و کشور بحرین نیز از این قاعده مستثنی نبود. جوانان بحرینی از ابتدا تلاش کردند تا با انتشار وقایع داخل و خشونت های پلیسی به جهان بیرون، رژیم حاکم را تهدید کنند تا آزادانه تر به اهدافشان برسند؛ اما این افراد نمی دانستند که نیرو های امنیتی از تصاویر اشخاص در صفحه های پروفایلشان برای شناسایی آنها استفاد می کنند، همچنین رژیم حاکم برای نفوذ در جنبش های مردمی صفحه ای در فیس بوک موسوم به «همه با هم برای شناسایی شیعیان» باز کردند که نقش یک شبکه جاسوسی مجازی را ایفا می کرد، تا از این طریق بتوانند در مردم نفوذ کنند و اقدامات آنها را کنترل کنند (دو روی سکه شبکه های اجتماعی، ۱۳۹۱). اما برخلاف آنچه رژیم حاکم تصور می کند مردم از خواسته هایشان کوتاه نیامده اند، چرا که عصر جهانی شدن ارتباطات چنین فرصتی را در اختیار آنها قرار نمی دهد و راه های گریزی همیشه برای مردم وجود دارد تا آنها به راحتی بتوانند با جهان خارج در ارتباط باشند؛ این خصلت جهانی شدن ارتباطات است که روز به روز عمر این دیکتاتوری ها را کمتر می کند.

نتیجه گیری

جهان عرب طی تحولات بهار عربی اعتراضات بی سابقه ای را تجربه کرده است. برکناری زین العابدین بن علی رئیس جمهوری تونس، کناره گیری حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر، سرنگونی رژیم ۴۲ ساله قذافی و کشته شدن او و همین طور کناره گیری علی عبدالله صالح رئیس جمهوری یمن از قدرت اوج این تحولات بوده، جنگ داخلی بخشهایی از سوریه را فرا گرفته و بحرین کماکان دستخوش ناآرامی هستند. آنچه تا به حال رخ داده عمدتاً با پیشگامی جوانان عرب، کمک رسانه های

اجتماعی و حمایت وسیع طبقه متوسط صورت گرفته است. تحولات اخیر جدید و بی سابقه است. در سراسر قرن بیستم شاهد راهپیمایی و تظاهرات در خاورمیانه بوده ایم و این موضوع جدیدی نیست. در گذشته راهپیمایی هایی در سراسر جهان عرب در حمایت از جمال عبدالناصر و بر علیه امریکا، اسرائیل و بریتانیا برگزار شده است. اما تحولات اخیر جدید است چراکه اعتراضات صورت گرفته در مقابل حکومتها، در پاسخ به مشکلات و شرایط محلی و الهام گرفته از وقایعی است که در جای دیگری از منطقه در حال وقوع است. دیکتاتوری یا حکومتهای سلطنتی مطلقه، تمرکز ثروت در دست اقتدار گرایان برای چندین دهه، فساد حکومتی، عدم شفافیت لازم در توزیع دوباره ثروت، نقض فاحش حقوق بشر، رکود اقتصادی، بیکاری، فقر و تنگدستی شدید، افزایش قیمت مواد غذایی و همین طور کمبود این مواد در سطح جهانی در کنار برخی عوامل ساختاری جمعیتی همچون حضور بخش وسیعی از جوانان تحصیل کرده اما ناراضی و امتناع آنها از پذیرش وضع موجود از جمله عواملی هستند که در شکل گیری ناآرامی ها و اعتراضات خاورمیانه و شمال آفریقا نقش دارند. در واقع اینگونه می توان گفت که خیزش اخیر جهان عرب پاسخی به ناکارآمدی نظامهای سیاسی موجود خاورمیانه و شمال آفریقا است، چرا که ویژگی ها و خصوصیات نظامهای سیاسی این منطقه در چند دهه اخیر بستر و زمینه ساز اصلی بهار جهان عرب بوده است. نگاهی به انگیزه های تحولات اخیر تاییدکننده این مطلب است. مولفه های موجود در ویژگی های نظامهای سیاسی خاورمیانه در طول چند دهه گذشته و هم اینک در کشورهای خاورمیانه ساری و جاری می باشد و خیزشها و مبارزات اخیر در برخی کشورهای عرب باهدف کم رنگ کردن وزدودن این زمینه ها از صفحه سیاسی کشورهای منطقه دنبال می شود.

نقش مهم رسانه های اجتماعی در تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا انکار ناپذیر است. فن آوری های جدید همچون فیس بوک، یوتیوب و توییتر از یکسو آگاهی مردم را افزایش داده و از سوی دیگر کمک چشمگیری به معترضان کرده و امکان ارتباط را بین مردم فراهم آورده است. در مقابل دولتهای منطقه واکنش نشان داده و تلاش کرده اند تا این فن آوری ها را در کنترل خود درآورند. حکومت تونس قادر به انجام آن نشد. حکومت مصر هم توییتر و فیس بوک را مختل و سعی کرد ابزارهای ارتباطی را کنترل کند، اما نتیجه عکس گرفت چراکه موجب شد تعداد بیشتری به خیابانها بیایند. ناآرامی های منطقه ای محدود به کشورهای جهان عرب نبوده است. به دنبال بهار عربی، تعدادی اعتراض مردمی

علیه دولتها در اقصی نقاط جهان به وقوع پیوست که بر اساس گزارش ها بسیاری از اینها الهام گرفته از جنبشهای دموکراتیک جهان عرب بوده اند. برخی بر این باورند که اعتراضات در تونس و مصر الهام بخش نه فقط کشورهای عربی بلکه کشورهای غیر عرب هم بوده است.

این نکته را نباید نادیده گرفت که بیشتر حکومت‌های کشورهای عربی قادر به برآورده کردن مطالبات به حق شهروندان خود نیستند، مانند آنچه بطور ناگهانی در تونس و مصر و پس از آن لیبی و یمن و بحرین به وقوع پیوست. بنابراین چون از درک این موضوع عاجزند و به سادگی نمی توانند با آن کنار بیایند در تلاش هستند تا به هر طریق ممکن حرکت‌های مردمی را سرکوب کنند. در این بین سواالی کلیدی مطرح می شود؛ با توجه به مقاومت همچنین تلاش دولتهای خلیج فارس در راستای فرونشاندن مخالفت ها، آیا بهار عربی به زودی به زمستان عربی تبدیل خواهد شد؟ برخی با اشاره به اقدامات مقامات بحرین، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی در سرکوب مخالفتها بر این باورند که پاسخ مثبت به این سوال چندان دور از ذهن نیست و چشم انداز چندان روشنی از اصلاحات جدی حداقل در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به چشم نمی خورد.

حتی با این وجود، امید اعراب به طور کامل به یاس مبدل نخواهد شد. چرا که رخدادهای اخیر در بردارنده تغییری اساسی است؛ در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله کشوری مهم و کلیدی همچون مصر، جمعیت انبوهی هر روز به خیابانها ریختند و با غلبه بر ترس خود در مواجهه با رژیم حاکم در صدد دستیابی به حقوق خود برآمدند. وقوع چنین رویدادی نادر و تاثیر آن عمیق و طولانی مدت است. در دیگر کشورهای عربی همچون بحرین، لیبی و یمن هم جوانان عرب اعم از زن و مرد نشان دادند که حاضرند برای ایجاد آینده ای بهتر جان خود را از دست بدهند. آنها آرزوی رسیدن به آزادی، برابری و دموکراسی را در سر می پروراندند و بسیار بعید است به کمتر از این قانع شوند. جهان عرب در حال حرکت به سوی دموکراسی است و جنبشهای دموکراتیک این کشورها همچنان تداوم خواهند شد، اما در سایه تحولات جاری به زمان بیشتری نیاز است تا ارزیابی های دقیقتری از آن به عمل آید. کشورهای غربی از جمله ایالات متحده هم باید این موضوع را مدنظر داشته باشند که جهان عرب جدیدی در حال شکل گیری است، و برای اینکه با تغییرات سریع منطقه همسو شوند نیازمند بازنگری سیاست خارجی خود در منطقه می باشند.

منابع فارسی

- «انقلاب یاس در تونس، نخستین انقلاب آنلاین؟» (۲۰۱۱)، *دویچه وله فارسی*، ۱۹ ژانویه، در:
Retrieved from, <http://www.dw-world.de/dw/article/0,,6409934,00.html>
- چرنوف، فرد (۱۳۹۰)، *نظریه و زیر نظریه در روابط بین الملل*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- «دو روی سکه شبکه های اجتماعی» (۱۳۹۱)، *سایت خبری-تحلیلی مشرق نیوز*، ۱۴ فرودین، در:
Retrieved from, <http://www.mashregnews.ir/fa/print/108063>
- روزنا، جیمز (۱۳۸۴)، *آشوب در سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات روزنه.
- عمادی، سیدرضی (۱۳۹۱)، *سایت خبر و تفسیر برون مرزی*، ۱۵ دی، در:
Retrieved from, <http://news.irib.ir/NewsPage.aspx?newsid=22779>
- محمد علیان، پریسا (۱۳۹۲)، «نقش رسانه های اجتماعی در انقلاب مصر»، *روزنامه اعتماد*، شماره ۲۷۶۴، ۷ شهریور.
- نصرتی نژاد، فرهاد (۱۳۸۳)، «ارتباطات، جهانی شدن و جنبش های اجتماعی: نگاهی اجمالی به جنبش اصلاح طلبی در ایران، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، سال چهارم، شماره چهاردهم.

English Source

- Albrow, Martin and Elizabeth King (eds.) (1990), *Globalization, Knowledge and Society* London: Sage. ISBN 978-0803983243.
- Al Jazeera (2011), "Protests hit Tunisia amid Mourning". January 21.
Retrieved from:
<http://english.aljazeera.net/news/africa/2011/01/2011121104023232257.html>
- Anderson, N; Technica, A (2011), "Tweeting Tyrants out of Tunisia: Global Internet at Its Best", *Threat Level/ Wired*. January 14, Retrieved from:

<http://www.wired.com/threatlevel/2011/01/tunisia/>

- Arango, Tim (2011), "Shiites in Iraq Support Bahrain's Protesters", *The New York Times*, April 1. Retrieved from:

<http://www.nytimes.com/2011/04/02/world/middleeast/02iraq.html>

- Bahrain Online Forum (2011), "A Statement by Bahraini Youth for Freedom Published on Bahrain Online", February 7, Retrieved from:

<http://www.webcitation.org/5wKQYGf0Q>

-Belhimer, Mahmoud (2010), "Political Crises but Few Alternatives in Algeria", *Arab Reform Bulletin* (Carnegie Endowment for International Peace). March 17, Retrieved from:

<http://carnegieendowment.org/arb/?fa=show&article=40363>

- Chikhi, Lamine (2011), "Algeria Army Should Quit Politics: Opposition". *Reuters*. January 21. Retrieved from:

<http://af.reuters.com/article/topNews/idAFJOE70K02X20110121?sp=true>

- Croucher, Sheila L. (2004), *Globalization and Belonging: The Politics of Identity a Changing World*, Rowman & Littlefield.

-Davies, Wyre (2010), "Tunisia: President Zine al-Abidine Ben Ali Forced Out", *BBC News-Africa*, December 15, Retrieved from:

<http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-12195025>

Esposito, John L (2011), "Arab youth want Democracy, not Theocracy", *CNN Opinion*, February 28, Retrieved from: http://articles.cnn.com/2011-02-28/opinion/protests.democracy.islam_1_islamists-arab-youth-

islamic?_s=PM:OPINION

-Fahim, Kareem (2011), “Slap to a Man’s Pride Set Off Tumult in Tunisia”,
The New York Times, January 22, Retrieved from:

http://www.nytimes.com/2011/01/22/world/africa/22sidi.html?pagewanted=1&_r=1&src=twrhp.

- Ford, Robert (2007), “An ailing and fragile Algerian regime drifts into 2008”,
WikiLeaks, December 19, Reference ID: 07ALGIERS1806. Released: 2011-01-22, Retrieved, from, <http://wikileaks.ch/cable/2007/12/07ALGIERS1806.html>

- “Google Earth demonstrates how technology benefits RI’s civil society, govt”
(2011), *Antara News*, May 26. Retrieved from:

<http://www.antaranews.com/en/news/71940/google-earth-demonstrates-how-technology-benefits-ris-civil-society-govt>

- Hallisso, Fadi (2011), “The role of Internet and Social Networking in the Arab spring”, *Syrianaaa*. May, Retrieved from:

<http://www.syrianaaa.com/2011/05/role-of-internet-and-socialnetworking.html>

- Howard, Philip N. (2011), “The Arab Uprising’s Cascading Effects”, *Miller-McCune*. February 23. Retrieved from: <http://www.millermccune.com/politics/the-cascading-effects-of-the-arab-spring-28575/>

- International Marxist Tendency (2011), “Tunisia: the Protests Continue”.
January 11, Retrieved from: <http://www.marxist.com/tunisia-protestscontinue.htm>

-“Internet users graphs”(2013), Market Information and Statistics,

International Telecommunications Union, Retrieved from:

<http://www.itu.int/en/ITU-D/Statistics/Pages/stat/default.aspx>

-Khorrami Assl, Nima (2011), “Arab Spring: Syrian Episode”, *Foreign Policy Journal*, April 8. Retrieved from:

<http://www.foreignpolicyjournal.com/2011/04/08/arab-spring-syrian-episode/>

Kirkpatrick, David D. (2011), “Wired and Shrewd, Young Egyptians Guide Revolt”, *The New York Times*, February 9, Retrieved from:

<http://www.nytimes.com/2011/02/10/world/middleeast/10youth.html>

- Korotayev A; Zinkina J (2011), “Egyptian Revolution: A Demographic Structural Analysis”, *Entelequia. Revista Interdisciplinar*, 13: 139–165, Retrieved from:

http://cliodynamics.ru/index.php?option=com_content&task=view&id=276&Itemid=70.

- Osterhammel, Jurgen and Niels P.Petersson (2005), *Globalization: a Short History*, Princeton University Press.

- Reuters (2011), “Libyan Rebels Pledge free and Fair Election”, March 29, Retrieved from:

<http://in.reuters.com/article/2011/03/29/idINIndia-55960820110329>

- Reverchon, Antoine; Adrien de Tricornot (2011), “La rente pétrolière ne Garantit Plus La Paix Sociale”, *LE MONDE ECONOMIE*, March 15, Retrieved from: http://www.lemonde.fr/economie/article/2011/03/14/la-rente-petroliere-ne-garantit-plus-la-paix-sociale_1492609_3234.html.

-Rogers, Paul (2011a), "Tunisia and the World: Roots of Turmoil", *Open Democracy*, January 24. Retrieved from: <http://www.opendemocracy.net/paul-rogers/tunisia-and-world-roots-of-turmoil>

-Rogers, Paul (2011b), "Libya, Bahrain, and the Arab Spring", *Open Democracy*, March 17. Retrieved from: <http://www.opendemocracy.net/paul-rogers/libya-bahrain-and-arab-spring>

-Shehata, Dina (2011), "The Fall of the Pharaoh", *Foreign Affairs*, May/June. Retrieved from: <http://www.foreignaffairs.com/articles/67687/dina-shehata/the-fall-of-the-pharaoh>

-Spencer, Richard (2011), "Tunisia riots: Reform or be Overthrown, US tells Arab States Amid fresh Riots", London: Telegraph, January 13, Retrieved from: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/africaandindianocean/tunisia/8258077/Tunisia-riots-US-warns-Middle-East-to-reform-or-be-overthrown.html>.

- Stever, H. Guyford (1972), "Science, Systems, and Society", *Journal of Cybernetics*, Vol, 2, Issue 3.

-Taspinar, Ömer (2011), "Western double standards over Libya will help Islamists", *CNN Opinion*, March 28, Retrieved from: http://articles.cnn.com/20110328/opinion/libya.bahrain.double.standard_1_bahrain-arab-countries-arab-street?_s=PM:OPINION

-The Detroit News (2011), "Labor Movement Drives Egypt, Tunisia Protests", February 10, Retrieved from:

<http://detnews.com/article/20110210/OPINION01/102100341/Labormovement-drives-Egypt--Tunisia-protests#ixzz1GDjIpaeg>.

- Tuomi, Ilkka (2001), "Internet, Innovation and Open Source: Actors in the Network", *First Monday Journal*, January 8, Vol. 6, Number 1, Retrieved from: <http://firstmonday.org/ojs/index.php/fm/article/view/824/733>

- Walker, Peter (2011), "Amnesty International hails WikiLeaks and Guardian as Arab Spring Catalysts", *The Guardian*. May 13. Retrieved from:

<http://www.guardian.co.uk/world/2011/may/13/amnesty-internationalwikileaks-arab-spring?>

- White, Gregory (2011), "Bahrain Now Bracing for Its Own Day Of Rage After Giving Every Family \$2,660 Fails", *Business Insider*, February 13, Retrieved from: <http://www.businessinsider.com/bahrain-day-of-rage-2011-2>.